

گزارش

بازنمایی مشکلات جامعه در «رها»، سیاه‌نمایی نیست



علی کلانتری منتقد

بلیط‌های آن در سینماها به فروش رفت و این امر می‌تواند نوید روزهای خوبی برای اقبال مردم به سمت ملودرام‌های اجتماعی باشد.

از یکی دو روز گذشته برخی از رسانه‌ها در قالب نقد فیلم، به صورت علنی و با قدرت در حال تخریب این فیلم در فضای مجازی هستند و به زعم خودشان این فیلم غیر واقعی است و قصد دارد سیاه‌نمایی کند و چهره تاریکی از ایران و زندگی ایرانی را به مخاطبان ایرانی و خارجی نمایشه کند! نقدی که به هیچ وجه به رهای حسام فرهمند وارد نیست و عجالتا رخت سیاه‌نمایی بر تن این فیلم اجتماعی به شدت گشاد است! البته باید این موضوع را مد نظر داشته باشیم که همین رسانه‌های دلسوز و سینه چاک یک زمانی جدایی نادر از سیمین، فروشنده، ابد و یک روز، بدون تاریخ بدون امضا و موزه‌های کوچک رنگ زده را نیز سیاه‌نمایی خطاب کردند و اعتقاد داشتند که این فیلم‌ها آبروی ایران را در مجامع خارجی می‌برد و اصلا تصویر درستی از جامعه امروزی ما نیست؛ ادعایی که همان کلمه اول رد می‌شود چون چیزی که به عینه در حال تنه به تنه شدن با آن در جامعه امروزی هستیم، آن چیزی است که در فیلم‌های نام برده شده با آن مواجه بودیم نه آن چیزی که امثال آن برخی رسانه‌ها دوست دارند در متن مخاطب فرو کنند!

گرچه فیلم‌هایی ساخته شده که هدفش سیاه‌نمایی از ایران و تحقیر فرهنگ و دین کشور بوده مانند برادران لیلی اما میان این و آنهایی که نام برده شد تفاوت است. بد نیست عزیزان یک تعریفی از سیاه‌نمایی در سینما را برای همیشه در گوشه ذهنشان نگه دارند؛ «سیاه‌نمایی در سینما به عنوان یک تکنیک یا سبک روایی شناخته می‌شود که در آن واقعیت‌ها، شرایط یا رویدادها به شکلی اغراق‌آمیز، منفی یا تاریک‌تر از آنچه هست، نمایش داده

محمود کریمی کارگردان فیلم «بچه مردم» با اشاره به مهمترین کاری که کارگردان باید در آثارش انجام دهد، می‌گوید: تصویری که کارگردان با خوانش فیلمنامه در ذهن شکل می‌دهد به عینیت فیلم سینمایی کمک می‌کند؛ در این فیلم ۶۰ تا ۷۰ درصد آن را در این فیلم به عینیت تبدیل کرده‌ام.

«بچه مردم» روایت کودکی است که مادرش او را سر راه می‌گذارد و او در تمام طول فیلم در جستجوی هویت و ریشه‌های گمشده خود است.در توضیح این فیلم آمده است: «ناجی- هر قصبه‌ای رو دقت کنید می‌بینید قهرمانش از به جایی رو پای خودش وایساده، الیورتوبیستت به جور، سه‌هراب و فریدون اون جور، حضرت یوسف چهار سالسال بود رفت عزیز مصر شد. حضرت موسی رو بگو؛ همین دنیا که اومد دادشش به آب. ماشالا نره غول شدن، پاتون اینجاسی سرتون اونجا، وگفته خودی نشون بدین.»محمود کریمی از جمله مستندسازان نام‌آشنای کشور است که با صدای او از خردنواده آشنا هستیم و «بچه مردم» نخستین فیلم بلند سینمایی محمود کریمی است.

محمود کریمی درباره فرم داستان می‌گوید: فرم می‌تواند متنوع باشد، این تنوع منحصر به من و سینمای ایران نمی‌شود بلکه در سینمای جهان این تنوع را

اختتامیه چهل و سومین جشنواره تئاتر فجر صحنه، چه کسانی را فریاد می‌زند؟

اختتامیه چهل و سومین جشنواره تئاتر-فجر با یادی هنرمندانی برگزار شد که صحنه تئاتر سال‌هاست از حضورشان بی‌بهره مانده و نکته غیاب‌انگیزتر اینکه نسل جدید فعالان و تماشاگران تئاتر، برخی از این چهره‌ها را نمی‌شناسد.

به گزارش ایسنا، اگر هنرمندان توانمند و خلاق هر کشور را بخش مهمی از سرمایه‌های انسانی آن بدانیم، سال‌هاست که فضای نمایشی کشور بخشی از داشته‌های مهم خود را از دست داده و بازگرداندن دوباره آنان ضرورتی است انکارناپذیر. در اختتامیه این دوره از جشنواره از هنرمندانی مانند علی رفیعی، بهرام بیضایی، منیژه محامدی، علیرضا نادری، محمد رحمانیان، محمد رضایی‌راد، محمد چرم‌شیر، حمید امجد، فاطمه معتمدآریا، نگمه ثمنی و امیررضا کوهستانی به عنوان هنرمندانی یاد شد که صحنه تئاتر، آنان را به حضور می‌طلبید.

دوران دشوار کرونا و اتفاقات اجتماعی پس از آن، باعث دوری بسیاری از هنرمندان تئاتر از صحنه شد. در این بین طبیعتا برای جبران جای خالی آنان، جوان‌ترها پا به میدان گذاشتند و در روزهای سخت کرونا چراغ تئاتر را روشن نگه داشتند اما نکته قابل تامل این است که حضور شوق‌انگیز چند نسل جوان، نباید به قیمت از دست رفتن داشته‌های قبلی که حالا سرمایه‌هایی ارزشمند به شمار می‌آیند، تمام شود که صحنه تئاتر با حضور نسل‌های گوناگون و سبک‌ها و سلیقه‌های مختلف، پویایی و رشد روزافزون‌تری خواهد داشت و در این رنگین کمان است که می‌توانیم حرکتی رو به جلو داشته باشیم.

علی رفیعی و بهرام بیضایی دو هنرمندی هستند که حالا ۸۰ سالگی را هم رد کرده‌اند.

بیضایی آخرین بسار در ایران، نمایش «افسرا» را در تالار وحدت روی صحنه برد. او چندین بسار برای اجرای این نمایش اقدام کرده بود و هر بار ناکام مانده بود تا اینکه در



می‌شود. این روش معمولاً برای تأکید بر جنبه‌های تلخ، نا امید کننده یا ناخوشایند زندگی، جامعه یا انسان‌ها به کار می‌رود. سیاه‌نمایی می‌تواند با هدف انتقاد اجتماعی، ایجاد حس ناامیدی یا برانگیختن احساسات عمیق در مخاطب استفاده شود.»

حال پس از خواندن این تعریف از سیاه‌نمایی جادارد که به فیلم رها ساخته حسام فرهمند برگردیم و روایت این اثر را با زندگی واقعی که این روزها اکثر مردم ایران به آن دچار هستند مقایسه کنیم و ببینیم که آیا این کارگردان سیاه‌نمایی کرده و یا قصد داشته روایتی از واقعیات اجتماعی داشته باشد؟!

و موضوع اصلی داستان فیلم رها و بی رنگ این فیلم از یک دزدی نشأت می‌گیرد، یک فرد که این روزها مشابه آن در کف خیابان فراوان است، لپ تاپ دختر یک خانواده را سرقت می‌کند، خانواده‌ای که از لحاظ تمکن مالی در وضعیتی نابسامان است و با پروده شدن آن لپ تاپ نمی‌تواند برای دخترشان که در امورات زندگی کمک خرجشان است، دوباره لپ تاپ تهیه کند! تا به اینجا ی کار و داستان کاملاً با واقعیت منطقی است؛ در زمانه‌ای که تورم کمر

محمود کریمی:

عینیت بخشی به فیلمنامه وظیفه اصلی کارگردان است

می‌توان ملاحظه کرد، هر قصبه‌ای را می‌شود در هر فرمی بیان کنید، البته این مهم است که فرم و قصه هم خون هم گرا باشند و نمی‌توان هر قصبه‌ای را در هر فرمی بیان کرد و تصور می‌کنم در فیلم بچه مردم کار غیرمعمرفانی را انجام نداده‌ام. این کارگردان افزود: ساختار فیلم همان ساختار و شکلی است که معمولاً در آثارم از آن استفاده می‌کنم، غالبی که آنرا آموخته‌ام و البته احساس می‌کنم قصه در این شکل روایت بهتر و رساناتری دارد و اگر این شکل و روایت نبود به نظر کار بسیار سخت و فیلم بسیار تلخ می‌شد. کریمی خاطرنشان کرد: در مرحله پژوهش متوجه شدم که چقدر این سوژه را دوست دارم و به آن علاقمندم. امیدوارم مورد توجه مخاطبین نیز قرار بگیرد.

نهایت زمستان سال ۸۶ در شرایطی که تالار اصلی تئاتر شهر درگیر ماجرای بازسازی بود، به اجرای این نمایش در تالار وحدت که سالتنی نامناسب برای اجرای این متن به شمار می‌آمد، تن داد.

مدیریت وقت تئاتر در سال ۸۸ هم تلاش کرد او را به اجرای نمایشنامه دیگرش «سهراب‌کشی» مجاب کند اما بیضایی دیگر دل و دماغی برای کار کردن نداشت و به فاصله نه چندان زیادی، مهاجرت کرد.

او حالا به دعوت دانشگاه استنفورد مشغول تدریس در این دانشگاه است و اخیرا هم نمایش «داش آکل به گفته مرجان» را روی صحنه برده است. اما علی رفیعی که شنبه‌شب در تالار وحدت از او یاد شد، آخرین بار در همین تالار نمایش «خانه برناردا آلبا» را روی صحنه برد. نمایشی که حالا ۶ سال از اجرای آن می‌گذرد. رفیعی چندی پیش تور آموزشی خود را که قرار است با همراهی ستاره اسکندری و حمید پورآذری در استان‌های گوناگون برپا شود، آغاز کرد ولی رفتار غیرمحرمانه‌ای که در اصفهان برای برپایی این کارگاه با این کارگردان پیشکسوت انجام شد،هنرجویان این شهر را از این فرصت طلایی بی‌بهره ساخت و این مساله باعث شد تا وزارت ارشاد، پیگیر این رفتارهای غیرمحرمانه با این هنرمند بشود.

منیژه محامدی هم دیگر کارگردان پیشکسوت تئاتر است که آخرین بار سال ۹۸ نمایش «سقوط در کوه مورگان» را در تالار قشقایی تئاتر شهر روی صحنه برد. او نیز جزو هنرمندانی است که از او به عنوان دیگر چهره غایب تئاتر یاد شد.محامدی در سال‌های اخیر مدتی را در خارج از کشور سپری کرده و در آنجا نمایش‌هایی را روی صحنه برده است. او به تازگی برای مدتی محدود به ایران آمد و در این فاصله چند تئاتر را دید اما کاری روی صحنه نبرد و حالا هم دوباره به خارج از کشور رفته است.

دیگر هنرمندی که سال‌هاست از صحنه دوری گزیده، علیرضا نادری است. دوری او از تئاتر خیلی قیل‌تر از کرونا آغاز شد. نادری بعد از اجرای نمایش «کوکوی کبوتران حرم» که سال ۸۷ در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت، دیگر قید اجزرای تئاتر را زد. او مدتی بعد از گذشت پسر جوانش که دچار بیماری بود، خود

با اینکه پدر خانواده به رویاهای خود نرسیده و دوست دارد روی معضلات و مشکلات خانواده سرپوش بگذارد و شکست‌های زندگی‌ش را با جسب بچسباند ولی دوباره در اکثر سکانس‌ها شاهد هستیم که در حد توانش برای زندگی می‌جنگد و تلاش می‌کند که خود را از ویروس فقر نجات دهد و خانواده را از چاه بدبختی نجات بدهد. این موارد نشانه‌هایی است که از اول تا آخر در اثر جاری است و نمی‌توان آنها را ندید ولی مشخص نیست که چرا برخی چشمشان را روی واقعیت بستند و این نقدهای تند را علیه رها روانه فضای مجازی کردند!

باید به این نکته اشاره کنیم که دوستان دغدغه مند که اینگونه فیلم‌ها را سیاه‌نمایی خطاب می‌کنند، چشمشان را روی گمندی‌های سخیف بسته اند و شوخی‌های جنسی و دم دستنی آنها را نمی‌بینند و علیه آنها مطلبی منتشر نمی‌کنند. داستان چیست که با هر اثری که قصد دارد کمی نهمب بزند، تلنگری به مسئولان باشد و در نهایت درد مردم را بیان کند، برخی از رسانه‌ها و منتقدین مشکل دارند و دوست ندارند چنین آثاری پر و بال بگیرد و تعداد بیشتری از مخاطبان آن را ببینند؟ چه اتفاقی افتاده که همین عزیزان طرفدار کارهای گمندی شدند و برای فروش آنها غریب شزادی سر می‌دهند ولی امثال رها را مانند بچه پرورشگاهی می‌بینند و آن را طرد می‌کنند!

فیلم، پدر خانواده سعی می‌کند برای امرار معاش به جمعه بازارها و بازارهای دست دوم فروشی مراجعه کند و با پرداخت مقدار کمی پول وسایلی را تهیه کند و با نوسازی و تعمیر آنها، دوباره آنها را به قیمت بالاتری بفروشد و از این راه مقداری پول کسب کند. آیا در دنیای امروزی و در جای جای کشورمان چنین اتفاقی نمی‌افتد؟ اکثریت کارگر و کارمند هستند، آیا همه چیز گل و بلبل است و ما خیر نداریم؟ چرا باید چشمانمان را به حقایق ببندیم و نگذاریم که یک اثر هرچند اندک ، تاثیر بر تصمیمات حکومتی بگذارد؟

رها نقش اثری است و باید دیده شود، رها نه سیاه‌نمایی است نه تخریب چهره ایران و ایرانی بلکه بازنمایی واقعیتی است که بسیاری از مردم به آن درگیر هستند و برای زندگی نه تنها تلاش بلکه می‌جنگند.

وی در پاسخ به این پرسش که فیلم با تصویر اولیه که در ذهن برای تولید داشتید چقدر نزدیک است، اظهار کرد: شاید این مهمترین امری است که کارگردان یک فیلم سینمایی باید آن را انجام دهد و آن تبدیل تصویری است که با خوانش فیلمنامه در ذهن شکل می‌گیرد به عینیت فیلم سینمایی است. تصور می‌کنم از آن تصویر اولیه ۶۰ تا ۷۰ درصد آن را در این فیلم به عینیت تبدیل کرده‌ام.

کریمی توضیح داد: به هر حال ما در فیلمنامه می‌دانستیم اثر چنین سروشکلی دارد. همین دیالوگ‌ها نوشته شده است، همین فضاها و سکانس پردازی‌ها طراحی شده بود اما وقتی در عمل حاضر می‌شوید بضاعت و مقدرات نت تعیین‌کننده است. مثلا گاه‌ها به امکانات و شرایط موجود محدود می‌شوید و باید خود را با شرایط تولیدی تطبیق بدهید. بعضی این شرایط حاکم خیر است و به نفع فیلم رقم می‌خورد و بعضی از آنها نیز حیف دیگر از دست می‌رود. کارگردان فیلم بچه مردم در خاتمه اظهاراتش عنوان کرد: به نظر من فیلم آماده اکران است و برای نمایش عمومی نیازی به کوتاه شدن و یا هر امر دیگری ندارد.

اول اردیبهشت سال ۱۴۰۰ همزمان با روز سعدی، بخشی از تازه‌ترین نمایشنامه خود را که تا آن زمان نگاشته بود، با همراهی افشین هاشمی در قالب ویدیویی کوتاه منتشر کرد؛ نمایشنامه «وقت خوش» که درباره زندگی و آثار سعدی بازگشته است. قرار بود این متن، اجرایی بزرگ در شیراز و بعد از آن در تهران داشته باشد اما این کار پر پرسوناز، نیازمند بودجه‌ای بالا بود که آن زمان محقق نشد و حالا دوری امجد از صحنه به ۸ سال رسیده است. در میان اسامی غایبان، اسم فاطمه معتمدآریا هم دیده می‌شود. بازیگری که آخرین بار با نمایش «بچه» به نویسندگی نگمه ثمنی و کارگردانی افسانه ماهیان در تماشاشانه ایزن‌شهر روی صحنه رفت. اجرای این نمایش سال ۱۴۰۰ روی صحنه رفت و آخرین حضور این بازیگر را بر صحنه رقم زد.

نگمه ثمنی هم نامی است که از او به عنوان دیگر غایب این سال‌ها یاد می‌شود. قرار بود نمایشنامه‌های او با نام‌های «دیو جغرافی» و «به گزارش زنان تروا» (متن مشترک با رضایی‌راد) روی صحنه برود اما نیمه اول سال ۱۴۰۱ بحث ممنوع‌الفعالیتهی ثمنی به دلیلی نامشخص در تئاتر مطرح شد و این در حالی است که کتاب‌های او مجوز نشر می‌گرفت و فیلمنامه‌هایش در شبکه نمایش خانگی در قالب سریال ساخته شده است.

امیررضا کوهستانی به عنوان هنرمندی از نسل جوان‌تر دیگر چهره‌ای بود که از او یاد شد. او آخرین بار در دوران کرونا نمایش «در انتظار گودو» را با حضور بازیگران زن در فضای باغ کتاب اجرا کرد. این اجرا سال ۱۴۰۰انجام شد. کوهستانی در این فاصله در خارج از کشور و با مشارکت هنرمندانی از ملیت‌های گوناگون آثاری را اجرا کرده است. از کوهستانی به عنوان نماینده‌ای از نسل جوانی یاد شد که بخشی از آنان همچنان دور از صحنه‌اند. هرچند به نظر می‌رسد خیرهای خوشی از حضور دوباره هنرمندان هم‌نسل او در راه باشد همچنانکه در چند ماه اخیر تعدادی از آنان به صحنه بازگشته‌اند.

حضور دوباره آنان فرصتی است مغتنم تا تماشاگرانی که در سال‌های اخیر به خیل مخاطبان تئاتر پیوسته‌اند، فرصتی برای آشنایی به‌گونه‌های دیگری از آثار نمایشی را به دست آورند.

فرهنگ و هنر

اخبار

۱۵ گروه موسیقی اقوام

در چهلمین جشنواره موسیقی فجر

۱۵ گروه موسیقی نواحی از مناطق مختلف ایران در چهلمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر در قالب شب‌های موسیقی اقوام در برج آزادی به روی صحنه می‌روند.

۱۵ گروه موسیقی نواحی از مناطق مختلف ایران در چهلمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر در قالب شب‌های موسیقی اقوام در برج آزادی به روی صحنه می‌روند. در شب پوشهر، هنرمندانی چون عبدالرسول غریبی، امید سیمه، مهدی لطفی، ماندنی صفاری، مرتضی لطفی، مجید پاکدل، هوشنگ علی شرفی و علی ستوده به اجرا خواهند پرداخت. در شب کردستان، فرهاد نادری، منصور مرادی و کردوان بوستان، و در شب کرمانشاه، عادل کمالی و نامخاص صیادی به هنرنمایی خواهند پرداخت. شب گیلان و تالش با اجرای ناصر وحدتی و آرمین فریدی، شب گلستان (ترکمن و کتول) با حضور امین سعادت و سیداحمد حسینی، و شب خراسان شمالی با اجرای مرتضی گودرزی و محمد یگانه برگزار خواهد شد. در شب سیستان و بلوچستان، خداد شکل‌زهی و عیسی بلوچ، در شب مازندران، محمدرضا اسنحقالی و رضا دیوسالار و در شب شرق و جنوب خراسان، اسفندیار تخمکار و ابراهیم سلیم‌آبادی به اجرای برنامه خواهند پرداخت. شب آذربایجان با حضور عاشیق حسن اسکندری، عاشیق علی‌قلی‌تبریز، رمضان خدابنده‌لو (زنجان) و عاشیق علی‌قلی‌زاده (آذربایجان غربی)، و شب هرمزگان با اجرای مرتضی کریمی همراه خواهد بود. این اجراها بخشی از برنامه‌های متنوع چهلمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر هستند که با هدف معرفی و پاسداشت موسیقی اقوام ایرانی برگزار می‌شود.

روزهای انقلاب از دریچه دوربین

«میشل ستیون»

نمایشگاه عکسی از واقعه‌نگاری میشل ستیون عکاس فرانسوی از انقلاب اسلامی ایران در تالار آبی مجموعه نیاوران دایر است.

این نمایشگاه، منتخبی از آثار کتاب «روزهای انقلاب»- این عکاس است که به مناسبت چهل‌وششمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با همکاری انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس به نمایش گذاشته شده است. کتاب «روزهای

انقلاب» مجموعه‌ای از واقعه‌نگاری‌هایی است که توسط عکاس فرانسوی میشل ستیون از سال‌های انقلاب سال ۱۳۵۷ ثبت کرده است. این مجموعه که شامل عکس‌هایی از سال‌های انقلاب است، مجموعه‌ای بسیار کامل است که تمام وقایع آن سال‌ها را آن روزهای پر از آشوب را با جزئیات پوشش داده است. مجموعه تصاویری که میشل ستیون در این کتاب به ثبت رسانده، توسط انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس منتشر شده است. میشل ستیون در «وفل‌لوشاوت» و همچنین پرواز انقلاب به همراه امام خمینی (ره) حضور داشته و این لحظات تاریخی را ثبت کرده است. ۲۸ هزار قطعه عکس از آثار هنری این عکاس فرانسوی از ابتدای تحولات انقلاب اسلامی و مبارزات مردمی، سخنرانی‌های امام خمینی (ره) در بهشت زهرا و مدرسه علوی و همچنین مراسم استقبال مردم از هنرمند فرانسوی ثبت گردیده و گنجینه گرافتقدری از خاطرات دوران انقلاب اسلامی است. این نمایشگاه عکس در بهمن ماه همه روزه از ساعت ۹ تا ۱۷ در تالار آبی دایر و میزبان علاقمندان و گردشگران است.

نظر رئیس سازمان سینمایی درباره

خروج بهرام رادان از هیئت داوران

و کیفیت بد سالن برج میلاد

رائد فریدزاده رئیس سازمان سینمایی وزارت ارشاد درباره خروج بهرام رادان از جمع هیئت داوران چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر گفت: بهرام رادان از جمع هیئت داوران استعفا ندادند و صرفاً به دلیل سفر امکان حضور در جمع داوران را نداشتند. وی درباره جایگزین وی عنوان کرد: این سوال را دبیر جشنواره باید پاسخ بدهند. رئیس سازمان سینمایی درباره انتقاد عوامل فیلم‌ها از کیفیت ضعیف صدا و تصویر سالن برج میلاد گفت: عوامل حق دارند که انتقاد کنند. باید همگی همت کنیم تا خانه استاندارد می‌مناسب برگزاری جشنواره‌ها ساخته شود. فریدزاده در پاسخ به این پرسش که ممکن است تا جشنواره فجر سال آینده خانه جشنواره‌ها آماده شود، گفت: همه ما باید دعا و همت کنیم تا خانه جشنواره‌ها تا بهمن سال آینده آماده شود.

انتشار همزمان ۲ قسمت از «آبان»

با بازی امین حیایی و شهاب حسینی

سریال «آبان» با بازی شهاب حسینی و امین حیایی که به‌تازگی انتشار آن در شبکه نمایش خانگی آغاز شده است، در اقدامی همزمان دو قسمت را منتشر خواهد کرد.

مجید مولایی تهیه‌کننده سریال «آبان» با اعلام اینکه قسمت دوم و سوم «آبان» این هفته همزمان پخش خواهد شد، درباره علت این اقدام توضیح داد: پلنفرم پخش‌کننده به دلیل اینکه استقبالی خوبی از قسمت اول این سریال شد، اقدام به این کار کرد. ما قبل از انتشار درخواست کرده بودیم یکی - دو قسمت ابتدایی سریال رایگان باشد، ولی چون از ابتدا سیستم بر این منوال بود که پلنفرم حق اشتراک بگیرد، این کار هدیه‌ای بود برای مخاطبانی که حق اشتراک خریده بودند.